

Original article

Exploring Relationship between Spiritual Intelligence and Emotional Intelligence in Students in Abadan School of Medical Sciences

Jamshid Bahmaei^{1*}
Fatemeh Moghimi-Zare²
Raziyeh Bahrami³
Masoumeh Assadi⁴

- 1- Instructor, Faculty Member of Sciences, Public Health Department, Abadan School of Medical Sciences, Abadan, Iran
- 2- Student Research Committee, Abadan School of Medical Sciences, Abadan, Iran
- 3- Student Research Committee, Abadan School of Medical Sciences, Abadan, Iran
- 4- Instructor, Faculty Member of Sciences, Nursing Department, Abadan School of Medical Sciences, Abadan, Iran

***Corresponding author:** Jamshid Bahmaei, Faculty Member of Sciences, Public Health Department, Abadan School of Medical Sciences, Abadan, Iran

Email: Jamshid_b1388@yahoo.com

Received: 22 January 2018

Accepted: 06 July 2018

ABSTRACT

Introduction and purpose: Spiritual intelligence is obtained from a set of spiritual abilities and interests, personality traits, special cognitive abilities, and neurological processes. Emotional intelligence is a revolutionary development in understanding the relationship between intellection and emotion. This study was carried out to investigate the relationship between emotional intelligence and spiritual intelligence in undergraduate nursing students of Abadan School of Medical Sciences.

Methods: This descriptive correlational study was conducted on a total of 125 subjects. The sampling technique was simple random sampling. The data were collected utilizing the Bar-On emotional intelligence and King spiritual intelligence questionnaires. The validity and reliability of both questionnaires were approved. Eventually, the data were analyzed using Pearson correlation coefficient and regression tests by SPSS 16.

Results: There was a positive and significant relationship between emotional intelligence and spiritual intelligence among students ($P < 0/05$). Moreover, there was a significant correlation between interpersonal scales, adaptation, and temperament with spiritual intelligence ($P < 0/05$). However, there was no meaningful relation between intrapersonal scales and stress management with spiritual intelligence ($P > 0/0$). It should be noted that all the components of emotional intelligence were able to predict spiritual intelligence.

Conclusion: Through the enhancement of emotional intelligence in students, spiritual intelligence can be strengthened and improve the spiritual atmosphere and positive attitudes of students. Therefore, the educational staff of Abadan School of Medical Sciences can help students with providing necessary trainings regarding the increase of spiritual and emotional intelligence.

Keywords: Emotional intelligence, Mental health, Nursing student, Spiritual intelligence

► **Citation:** Bahmaei J, Moghimi-Zare F, Bahrami R, Assadi M. Exploring Relationship between Spiritual Intelligence and Emotional Intelligence in Students in Abadan School of Medical Sciences. Journal of Health Research in Community. Summer 2018;4(2): 47-56.

مقاله پژوهشی

بررسی ارتباط میان هوش معنوی و هوش هیجانی در دانشجویان پرستاری دانشکده علوم پزشکی آبادان

چکیده

جمشید بهمنی^{۱*}
فاطمه مقیمی زارع^۲
راضیه بهرامی^۳
معصومه اسدی^۴

مقدمه و هدف: هوش معنوی از مجموعه‌ای از توانایی‌ها و علایق معنوی، ویژگی‌های شخصیتی، توانایی‌های شناختی خاص و فرایندهای عصب‌شناختی به‌دست می‌آید. هوش هیجانی جدیدترین تحول در زمینه فهم رابطه میان عقل و هیجان است. در این ارتباط، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین هوش هیجانی و هوش معنوی دانشجویان کارشناسی رشته پرستاری دانشکده علوم پزشکی آبادان انجام شد.

روش کار: در پژوهش توصیفی-همبستگی حاضر حجم نمونه معادل ۱۲۵ نفر برآورد شد. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش، تصادفی ساده بود. اطلاعات توسط پژوهشگر و با استفاده از پرسشنامه‌های هوش هیجانی Baron و هوش معنوی King جمع‌آوری گردیدند. باید عنوان نمود که روایی و پایایی هر دو پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. در نهایت، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های ضریب همبستگی Pearson و رگرسیون تحلیل شدند.

یافته‌ها: بین هوش هیجانی و هوش معنوی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری وجود داشت ($P < 0/05$). بین مقیاس‌های بین فردی، سازگاری و خلق عمومی با هوش معنوی نیز رابطه معناداری به‌دست آمد ($P < 0/05$)؛ اما بین مقیاس‌های درون فردی و مدیریت استرس با هوش معنوی رابطه معناداری وجود نداشت ($P > 0/05$). شایان ذکر است که تمامی مؤلفه‌های هوش هیجانی قادر به پیش‌بینی هوش معنوی بودند.

نتیجه‌گیری: با تقویت هوش هیجانی در دانشجویان می‌توان هوش معنوی را در آن‌ها تقویت کرد و به بهبود جو معنوی و نگرش مثبت دانشجویان کمک نمود. در این ارتباط، مسئولان آموزشی دانشگاه می‌توانند با ارائه آموزش‌های لازم به تقویت هوش معنوی و هیجانی دانشجویان کمک کنند.

کلمات کلیدی: دانشجوی پرستاری، سلامت روان، هوش معنوی، هوش هیجانی

۱. مربی، عضو هیات علمی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران
۲. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران
۳. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران
۴. مربی، عضو هیات علمی، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

* نویسنده مسئول: جمشید بهمنی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

Email: Jamshid_b1388@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۵

◀ **استناد:** بهمنی، جمشید؛ مقیمی زارع، فاطمه؛ بهرامی، راضیه؛ اسدی، معصومه. بررسی ارتباط میان هوش معنوی و هوش هیجانی در دانشجویان پرستاری دانشکده علوم پزشکی آبادان. مجله تحقیقات سلامت در جامعه، تابستان ۱۳۹۷؛ ۴(۲): ۵۶-۴۷.

مقدمه

هوش به مجموعه توانایی‌هایی گفته می‌شود که برای حل مسأله و ایجاد محصولات جدیدی که در یک فرهنگ اندیشمند

تلقی می‌شوند، به کار می‌روند [۱]. همه اقداماتی که برای سنجش هوش در ادوار اولیه تاریخ روان‌شناسی صورت گرفته است، تلاش‌هایی برای روشن‌سازی و سازماندهی تفاوت‌های بین فردی و درون فردی از نظر عملکرد ذهنی و شناختی می‌باشند [۲].

هوش معنوی از مجموعه‌ای از توانایی‌ها و علایق معنوی، ویژگی‌های شخصیتی، توانایی‌های شناختی خاص و فرایندهای عصب‌شناختی به دست می‌آید. از این نوع هوش برای حل نگرانی‌های وجودی و ماورایی استفاده می‌شود [۳]. براساس تعریف هوش معنوی، هوش ممکن است امری شناختی-انگیزشی باشد که مجموعه‌ای از مهارت‌های سازگاری و منابعی را که حل مسأله و دستیابی به هدف را تسهیل می‌کنند، معرفی می‌نماید [۴]. هسته اصلی تمامی تعاریف هوش معنوی تمرکز بر حل مسأله برای سازگاری و رسیدن به اهداف است [۵]. هوش معنوی با تقویت معنویت موجب ثبات صفات پسندیده می‌شود و فرد به سوی پیشرفت و رسیدن به کمال حرکت می‌کند [۶].

هوش هیجانی جدیدترین تحول در زمینه فهم رابطه میان تعقل و هیجان است و از آن به عنوان ماشه چکان انقلاب بزرگ در زمینه ارتقای بهداشت روانی یاد می‌شود [۷]. هوش هیجانی با پیامدهای مثبت بسیاری که دارد در رشد انسان مؤثر است. افراد با هوش هیجانی بالا از توانایی مقابله با خواسته‌ها و چالش‌ها در زندگی برخوردار هستند [۸]. افرادی که از هوش هیجانی برخوردار هستند می‌توانند عواطف خود و دیگران را کنترل کنند و بین پیامدهای مثبت و منفی عواطف تمایز قائل شوند [۴]. سطح بالایی از هوش هیجانی اجازه دستیابی به موفقیت در حرفه و زندگی را می‌دهد [۹]. هوش معنوی یکی از پایه‌های مهم برای عملکرد مؤثر هوش هیجانی می‌باشد؛ در نتیجه افرادی که از هوش معنوی بالایی برخوردار هستند، هوش هیجانی خوبی دارند. هوش معنوی و هیجانی با آموزش تقویت می‌شوند و با استفاده از آن‌ها می‌توان از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کرد [۱۰، ۱۱]. هوش معنوی و هیجانی می‌توانند مکمل یکدیگر در جهت سالم‌سازی زندگی

باشند [۶]. باید خاطرنشان ساخت که هوش معنوی و هیجانی در زنان بیشتر از مردان است و ارتباط آماری معناداری بین هوش معنوی و هیجانی وجود دارد؛ به طوری که تقویت هوش معنوی باعث بهبود هوش هیجانی می‌شود؛ بنابراین هوش هیجانی به دلیل مرتبط بودن با مهارت‌های مهم زندگی شخصی و اجتماعی، نقش مهمی در موفقیت و هدایت فرد دارد [۳]. از سوی دیگر، هوش معنوی به لحاظ تأثیری که بر فرد می‌گذارد، می‌تواند رفتار فرد را به سوی موفقیت هدایت کند. این فرایند برای دانشجویان که آینده‌سازان کشور هستند، بسیار ضروری می‌باشد؛ بنابراین مطالعه در زمینه تأثیر هوش معنوی بر هوش هیجانی، راه کارهای آموزشی دو هوش مذکور را برای مدیران دانشگاه روشن خواهد نمود [۱۲]. در این زمینه، توان و همکاران در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که هوش معنوی و هیجانی در زنان بیشتر از مردان می‌باشد و ارتباط آماری معناداری بین هوش معنوی و هیجانی وجود دارد؛ به طوری که تقویت هوش معنوی باعث بهبود هوش هیجانی می‌شود [۳]. یافته‌های فرامرزی و همکاران نیز نشان داد که بین هوش معنوی و هوش هیجانی رابطه معناداری وجود دارد و این ارتباط در ابعاد مختلف هوش معنوی و هیجانی مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، هوش معنوی بیشتر منجر به هوش هیجانی بیشتر می‌گردد [۱۳]. از سوی دیگر، نتایج مطالعه عرفان و همکاران حاکی از آن بود که میان هوش هیجانی و هوش معنوی ارتباط معناداری وجود دارد و آموزش‌های مربوطه در این زمینه می‌تواند به رفع کمبودهای مهارت‌های لازم در پرستاران برای سازگاری موفقیت‌آمیز با دنیای کاری کمک کند [۶]. با توجه به مطالب بیان‌شده، پژوهش حاضر با هدف سنجش رابطه هوش هیجانی و هوش معنوی دانشجویان پرستاری دانشکده علوم پزشکی آبادان در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش کار

در پژوهش توصیفی-همبستگی حاضر هوش معنوی به عنوان

متغیر ملاک و مقیاس‌های هوش هیجانی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین مورد مطالعه قرار گرفتند. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی رشته پرستاری که طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ به دانشکده علوم پزشکی آبادان وارد شده بودند، تشکیل دادند. تعداد افراد نمونه با استفاده از قاعده سرانگشتی (Rule of Thumb) که در آن به ازای هر متغیر پیش‌بین حداقل ۱۰ نمونه به‌عنوان حجم نمونه در نظر گرفته می‌شود، ۱۲۵ نفر برآورد گردید. بدین ترتیب، پنج متغیر پیش‌بین در مطالعه وجود دارد و پژوهشگران به‌منظور افزایش اعتبار نتایج، به ازای هر متغیر پیش‌بین، ۲۵ نمونه را در نظر گرفتند؛ زیرا برآورد R که از رگرسیون به‌دست می‌آید، به تعداد پیش‌بین‌ها (k) و حجم نمونه (n) وابسته است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع طبقه‌ای بود. ورودی‌های هر سال، طبقات را تشکیل دادند و از هر طبقه به‌صورت تصادفی و براساس شماره دانشجویی، ۲۰ درصد از دانشجویان برای شرکت در مطالعه انتخاب شدند. شایان ذکر است که اطلاعات توسط پژوهشگر و با استفاده از پرسشنامه‌های هوش هیجانی Baron و هوش معنوی King جمع‌آوری شد. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بودند از: اشتغال به تحصیل در رشته پرستاری، ورود به دانشگاه طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶، اشتغال به تحصیل در دانشکده علوم پزشکی آبادان و تمایل به مشارکت در مطالعه. ذکر این نکته ضرورت دارد که افراد فاقد معیارهای فوق از مطالعه کنار گذاشته شدند. پرسشنامه هوش هیجانی Baron در سال ۱۹۹۷ توسط Baron طراحی گردید. این پرسشنامه دارای ۹۰ سؤال می‌باشد و عملکرد پاسخ‌دهندگان در کار و زندگی را در ۱۵ خرده‌مقیاس کلیدی هوش هیجانی ارزیابی می‌کند. این خرده‌مقیاس‌ها در پنج مقیاس کلی گنجانده شده‌اند که عبارت هستند از: مقیاس درون فردی شامل: خرده‌مقیاس‌های خودآگاهی هیجانی (Emotional Self-Awareness)، خودآبرازی (Assertiveness)، احترام به خود (Self-Regard)، استقلال (Independence) و خودشکوفایی (Self-Actualization)؛

مقیاس بین فردی شامل: خرده‌مقیاس‌های همدلی (Empathy)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی (Social Responsibility) و رابطه بین فردی (Interpersonal Relationship)؛ مقیاس مدیریت استرس شامل: خرده‌مقیاس‌های تحمل استرس (Stress Tolerance) و کنترل تکانه (Impulse Control)؛ مقیاس سازگاری شامل: خرده‌مقیاس‌های واقع‌گرایی (Reality Testing)، انعطاف‌پذیری (Flexibility) و حل مسئله (Problem Solving)؛ مقیاس خلق عمومی شامل: خرده‌مقیاس‌های خوش‌بینی و شادمانی (Optimism and Happiness).

از آنجایی که گزینه‌ها بر مبنای یک طیف پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم شده‌اند، نمره‌گذاری از ۵ به ۱ (از کاملاً موافقم = ۵ تا کاملاً مخالفم = ۱) و در برخی از سؤالات با محتوای منفی یا معکوس از ۱ به ۵ (از کاملاً موافقم = ۱ تا کاملاً مخالفم = ۵) صورت می‌گیرد. پرسشنامه ۹۰ سؤالی Baron به فارسی ترجمه شده و از نظر روایی و پایایی ارزیابی گردیده است. این پرسشنامه ۱۵ معیار ذکر شده را با شش سؤال مورد سنجش قرار می‌دهد؛ از این رو بیشترین و کمترین نمره حاصل از پرسشنامه به ترتیب ۴۵۰ و ۹۰ بوده و در مورد هریک از خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب ۳۰ و ۶ می‌باشد. نمرات خام به‌دست‌آمده از هریک از خرده‌مقیاس‌ها براساس نمره از ۱۰۰ محاسبه گشته و با انحراف معیار ۱۵ به‌عنوان هوش‌بهر هیجانی افراد در نظر گرفته می‌شود. شایان ذکر است که نمرات مساوی و یا بیشتر از میانگین نشان‌دهنده عملکرد مطلوب فرد از نظر هیجانی و اجتماعی بوده و هرچه این نمره بالاتر باشد، فرد عملکرد بهتری در برخورد با نیازها و چالش‌های زندگی روزانه خواهد داشت. نمرات کمتر از میانگین نیز به احتمال زیاد نشان‌دهنده ناکارآمدی فرد در این زمینه بوده و بیانگر احتمال وجود مشکلات هیجانی، اجتماعی و یا رفتاری می‌باشد [۱۴، ۱۵]. باید خاطر نشان ساخت که این پرسشنامه از اعتبار و روایی بالایی برخوردار است و برای استفاده در ایران استاندارد شده و پایایی آن براساس آلفای کرونباخ معادل ۰/۹۳ می‌باشد [۱۶، ۱۷].

در مطالعه عرفان و همکاران پایایی به روش آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های درون فردی، بین فردی، مدیریت استرس، سازگاری، خلق عمومی و هوش هیجانی کل به ترتیب معادل ۰/۵۸، ۰/۶۰، ۰/۶۲، ۰/۷۰، ۰/۷۵ و ۰/۷۸ گزارش شده است [۶]. به نقل از رقیبی، پرسشنامه هوش معنوی King در سال ۲۰۰۸ توسط King ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۲۴ سؤال و چهار خرده‌مقیاس تفکر انتقادی وجودی، معناسازی شخصی، آگاهی متعالی و گسترش خودآگاهی می‌باشد. سؤالات این پرسشنامه بر مبنای یک طیف پنج درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) تنظیم شده است. نمره هر خرده‌مقیاس برابر با مجموع نمرات هریک از سؤالات آن خرده‌مقیاس و نمره کل پرسشنامه معادل مجموع نمرات خرده‌مقیاس‌ها می‌باشد. باید عنوان نمود که در این پژوهش نمره کل پرسشنامه در نظر گرفته خواهد شد که نمرات بالا نشان‌دهنده هوش معنوی بالا و یا وجود چنین ظرفیتی می‌باشند. King ضریب پایایی کل این پرسشنامه را براساس ضریب آلفای کرونباخ معادل ۰/۹۵ گزارش کرده است [۱۸]. در ایران نیز چاری و همکاران روایی و اعتبار این مقیاس را در حد مطلوب گزارش کرده‌اند [۱۹]. در پژوهش عرفان و همکاران ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه معادل ۰/۷۵ به‌دست آمده است [۶]. برای گردآوری داده‌های پژوهش با مراجعه به دانشکده پرستاری دانشکده علوم پزشکی آبادان، اطلاعات لازم در مورد اهداف پژوهش با تأکید بر آنالیز پرسشنامه‌ها به‌صورت گروهی و بدون ذکر مشخصات فردی به دانشجویان ارائه شد. پس از جلب رضایت دانشجویان، پرسشنامه‌ها به‌صورت گروهی در پایان هر کلاس درس در اختیار افراد نمونه قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد که در صورت تمایل به پاسخ‌گویی، آن‌ها را با دقت تکمیل کنند. در مرحله بعد، داده‌های به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌ها کدگذاری گردیده و وارد نرم‌افزار SPSS شدند و با استفاده از ضریب همبستگی Pearson و رگرسیون تحلیل گردیدند. شایان ذکر است که کسب مجوز لازم از معاونت آموزشی

دانشکده علوم پزشکی آبادان، کسب کد اخلاق پژوهش از معاونت آموزشی دانشکده، کسب اجازه از مسئولان دانشکده و محرمانه‌ماندن محتوای پرسشنامه‌ها از جمله ملاحظات اخلاقی این پژوهش بودند.

یافته‌ها

از ۱۲۵ دانشجوی شرکت‌کننده در پژوهش، ۴۸ نفر پسر (۳۸/۱ درصد) و بقیه دختر بودند. همچنین ۱۰۷ نفر (۸۴/۹ درصد) مجرد و بقیه متأهل بودند. شایان ذکر است که بیشتر دانشجویان تحت مطالعه به تعداد ۲۷ نفر (۲۱/۴ درصد) ۲۲ سال سن داشتند. در مرحله اول جهت بررسی رابطه بین هوش هیجانی با هوش معنوی از ضریب همبستگی Pearson استفاده شد.

یافته‌ها در جدول ۱ نشان می‌دهند که بین هوش هیجانی و هوش معنوی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P < ۰/۰۵$). بین مقیاس‌های بین فردی، سازگاری و خلق عمومی با هوش معنوی نیز رابطه معناداری مشاهده می‌شود ($P < ۰/۰۵$)؛ اما بین مقیاس‌های درون فردی و مدیریت استرس با هوش معنوی رابطه معناداری وجود ندارد ($P > ۰/۰۵$).

جدول ۱: ضرایب همبستگی متقابل هوش هیجانی و مقیاس‌های آن با هوش معنوی

متغیر	انحراف معیار $\pm$ میانگین	r	هوش معنوی سطح معناداری
درون فردی	۸۳/۱۴ $\pm$ ۱۴/۴۱	۰/۰۹۴	۰/۲
بین فردی	۳۷/۸۸ $\pm$ ۸/۵۰	۰/۲۹۷	۰/۰۰۱
مدیریت استرس	۳۳/۸۲ $\pm$ ۷/۶۸	۰/۰۷۷	۰/۳
سازگاری	۴۷/۲۶ $\pm$ ۷/۵۷	۰/۱۵۷	۰/۰۴
خلق عمومی	۳۱/۰۷ $\pm$ ۴/۷۵	۰/۲۲۸	۰/۰۱
هوش هیجانی (کلی)	۲۲۸/۸۳ $\pm$ ۳۱/۳۳	۰/۲۱۷	۰/۰۱

جدول ۲: خلاصه نتایج مدل رگرسیون گام به گام هوش معنوی بر حسب مقیاس‌های هوش هیجانی

مدل	مجموع مجزورات	R	R ²	df	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۱۲۱۳۶۴/۳۸۴			۵	۲۴۲۷۲/۸۷۷		
خطا	۲۲۹/۶۷۸	۰/۴۳	۰/۱۲	۱۱۹	۱/۹۳۰	۱۲۵۷۶/۲۰۳	۰/۰۰۰۱
کل	۱۲۱۵۹۴/۰۶۴			۱۲۴			

جدول ۳: نتایج ضرایب رگرسیون جهت پیش‌بینی هوش معنوی

مدل	ضرایب غیراستاندارد			T	Sig
	B	Std. Error	Beta		
بین فردی	۱/۶۷	۸/۸۶	۰/۰۹۳	۶۵/۴	۰/۰۰۰۱
درون فردی	۰/۶۲۳	۰/۳۸	۰/۶۸	۵۳/۱۵	۰/۱۳
مدیریت استرس	۰/۷۳۱	۰/۳۵	۰/۱۸	۴۱/۸	۰/۲۳
سازگاری	۰/۸۳۵	۰/۴۴	۰/۳۷	۳۷/۷	۰/۰۰۰۱
خلق عمومی	۰/۱۶۳	۰/۲۲	۰/۲۳	۲۶/۹	۰/۰۰۰۱

در مرحله دوم به منظور پیش‌بینی هوش معنوی بر پایه مقیاس‌های هوش هیجانی از رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است. براساس یافته‌های این جدول، R همبستگی ساده بین هوش معنوی و هوش هیجانی را نشان می‌دهد و با توجه به اینکه مقدار R برابر با ۰/۴۳ می‌باشد، همبستگی بین دو متغیر در حد خوبی برآورد می‌شود. همچنین مقدار R² نشان می‌دهد که چه مقدار از متغیر وابسته یعنی هوش معنوی می‌تواند توسط متغیر مستقل یعنی هوش هیجانی تبیین شود؛ از این رو، هوش هیجانی در این مرحله می‌تواند ۱۲ درصد از تغییرات هوش معنوی را تبیین کند. باید عنوان نمود که میزان معناداری کمتر از ۰/۰۵ در این جدول بیانگر معنادار بودن مدل رگرسیونی مورد استفاده می‌باشد. به عبارت دیگر، مدل رگرسیونی می‌تواند به صورت معنادار و مناسبی تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند. معنادار بودن مقدار F در سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ نیز نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی خطی از برازش مطلوبی برخوردار است.

مطابق با جدول ۳ از بین مؤلفه‌های هوش هیجانی تنها مؤلفه‌های بین فردی، سازگاری و خلق عمومی قادر به پیش‌بینی هوش معنوی بوده‌اند. همچنین از بین مؤلفه‌های هوش هیجانی به ترتیب مؤلفه درون فردی با مقدار β (۰/۶۸)، سازگاری با مقدار β (۰/۳۷)، خلق عمومی با مقدار β (۰/۲۳)، مدیریت استرس با مقدار β (۰/۱۸) و مؤلفه بین فردی با مقدار β (۰/۰۹۳) از بیشترین توان پیش‌بینی هوش معنوی برخوردار هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه هوش هیجانی و هوش معنوی دانشجویان رشته پرستاری دانشکده علوم پزشکی آبادان انجام شد. نتایج نشان داد که بین نمرات کلی هوش هیجانی و هوش معنوی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بدین معنا که با افزایش هوش هیجانی دانشجویان، هوش معنوی

آن‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که تقویت هوش معنوی که در حقیقت همان اطاعت‌پذیری از خداوند است موجب بهبود رفتار اجتماعی، احترام به عواطف و احساسات دیگران و رعایت حقوق آن‌ها می‌شود. به عبارت دیگر، تقویت هوش معنوی موجب بهبود و تقویت هوش هیجانی می‌گردد [۱۲]. این یافته با نتایج مطالعات حاجیان و همکاران، عرفان و همکاران، شهربانی فراهانی و همکاران، فرامرزی و همکاران، توان و همکاران، رقیبی و قره‌چاهی و گل‌میمی همخوانی دارد [۳، ۶، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۸، ۲۰]. در مطالعه حاضر بین مقیاس‌های بین فردی، سازگاری و خلق عمومی با هوش معنوی رابطه معناداری وجود داشت؛ اما بین مقیاس‌های درون فردی و مدیریت استرس با هوش معنوی رابطه معناداری به‌دست نیامد. در این ارتباط، در مطالعه عرفان و همکاران بین مقیاس‌های درون فردی و خلق عمومی با هوش معنوی رابطه معناداری مشاهده نشد که این یافته به لحاظ مقیاس درون فردی با نتایج مطالعه حاضر همسویی دارد؛ اما از نظر مقیاس خلق عمومی با آن متفاوت می‌باشد [۶]. در تبیین این مغایرت می‌توان گفت که دانشجویان رشته پرستاری آبادان، استرس را بر معنویت خود بی‌تأثیر دانسته‌اند و همواره معنویت را مقوله‌ای جداگانه در زندگی خود دانسته‌اند. در مطالعه رقیبی و همکاران هوش معنوی با مهارت‌های درون فردی شامل: آگاهی هیجانی، خودآبرازی، احترام به خود، خودشکوفایی، استقلال و مقابله با فشار که شامل: تحمل استرس و کنترل تکانه می‌باشد، رابطه منفی و معناداری داشت؛ اما با سایر مؤلفه‌های هوش هیجانی ارتباط معناداری نداشت [۱۸]. در توضیح مغایرت این قسمت از نتایج می‌توان گفت که مقیاس‌های درون فردی از دیدگاه دانشجویان مورد بررسی تأثیری بر هوش معنوی ندارد که شاید ناشی از این امر باشد که دانشجویان مواردی همچون استقلال، خودشکوفایی و احترام به خود را ناشی از عزت‌نفس و شخصیت وجودی خود دانسته و مقوله معنویت را در دست‌یابی به این موارد بی‌تأثیر می‌دانند. در مطالعه عرفان و همکاران بین

مقیاس‌های بین فردی، سازگاری و مدیریت استرس با هوش معنوی رابطه مثبت و معناداری وجود داشت؛ اما بین مقیاس‌های درون فردی و خلق عمومی با هوش معنوی رابطه معناداری به‌دست نیامد [۶]. در مطالعه گل‌میمی و همکاران نیز بین هوش معنوی با بعد آگاهی اجتماعی خودمدیریتی و بعد خودآگاهی هوش هیجانی دانشجویان رابطه معناداری مشاهده شد؛ اما بین هوش معنوی و بعد مدیریت رابطه هوش هیجانی ارتباط معناداری وجود نداشت [۲۰]. علاوه‌براین، در مطالعه شهربانی فراهانی و همکاران بین هوش معنوی و مؤلفه‌های خودآگاهی، همدلی، خودانگیزی و مهارت‌های ارتباطی هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر رابطه معناداری به‌دست آمد؛ اما بین هوش معنوی و مؤلفه خودکنترلی هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر رابطه معناداری وجود نداشت [۷]. در مطالعه رقیبی و همکاران نیز بین مؤلفه مهارت‌های درون فردی در زوج‌های سازگار با هوش معنوی ارتباط مثبت و معناداری مشاهده شد که از این منظر با نتایج پژوهش حاضر ناهمخوان می‌باشد [۱۸]. فردی که از خودآگاهی بالایی برخوردار است و یا به عبارت دیگر توانایی تشخیص افکار، باورها، هیجانات، صفات و ارزش‌های شخصیتی، عادت‌ها، سوگیری‌ها، توانمندی‌ها، ضعف‌ها و نیازهای روان‌شناختی که رفتار آدمی را برمی‌انگیزاند دارد، می‌تواند از توانایی به‌کارگیری منابع معنوی و ارزش‌ها و چگونگی ابراز هیجانات خود در برقراری رابطه با دیگران در جهت بهبود زندگی روزانه برخوردار باشد و به‌طور مؤثرتری عمل کند [۷]. در این ارتباط، در مطالعه شهربانی فراهانی و همکاران بین مؤلفه خودکنترلی (که در پژوهش حاضر همان مقیاس درون فردی می‌باشد) با هوش معنوی رابطه معناداری مشاهده نشد [۷]. محمد تبار نیز در مطالعه خود بین مقیاس خودکنترلی هوش هیجانی و هوش معنوی رابطه معناداری را گزارش نکرد [۲۱]. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در زمینه مقیاس‌های درون فردی و مدیریت استرس می‌توان گفت دانشجویانی که هوش معنوی بالایی دارند، آگاهی هیجانی،

خودابرازی، احترام به خود، خودشکوفایی، استقلال، تحمل استرس و کنترل تکانه نیز در آن‌ها بالا بوده و توان تحمل تنیدگی‌ها، استرس و مقابله با سختی‌های زندگی در آن‌ها بیشتر می‌باشد. بر خلاف این مطالعه که در آن بین مدیریت استرس و هوش معنوی رابطه معناداری وجود نداشت، این ارتباط در چندین مطالعه معنادار بوده است [۲۵-۲۲]. شهرابی فراهانی و همکاران در مطالعه خود بین مؤلفه همدلی که از مقیاس‌های مؤلفه بین فردی است با هوش معنوی، رابطه معناداری را گزارش نمودند. Wiggeleworth (۲۰۰۷) نیز به این موضوع اشاره کرده است که شروع یک مسیر معنوی موفق به درجاتی از هوش هیجانی نیاز دارد. به‌ویژه خودآگاهی هیجانی و همدلی که از سازه‌های اساسی هوش هیجانی محسوب می‌شوند، شالوده‌های استواری را برای ورود به رشد معنوی فراهم می‌نمایند؛ از این رو پیش از آنکه رشد معنوی در فرد آشکار گردد لازم است مهارت‌های هوش هیجانی در وی تقویت شده باشند تا بتوانند رشد مهارت‌های هوش هیجانی را تقویت نمایند. رشد هوش هیجانی به رشد معنویت کمک می‌کند و رشد هوش معنوی سبب رشد هوش هیجانی می‌شود [۷]. در بعد سازگاری با توجه به معناداربودن رابطه آن با هوش معنوی می‌توان گفت که هوش معنوی بر توانایی سازش دانشجویان در محیط دانشگاه و خوابگاه تأثیرگذار است و دانشجویان با هوش معنوی به خوبی می‌توانند خود را با محیط خوابگاه و دانشگاه وفق دهند و توانایی حل مشکلات پیش روی خود را داشته باشند. از آنجایی که فرد با ایمان دارای ارتباطات و باورهای معنوی است، کمتر احساس رهاشدگی، پوچی و تنهایی می‌کند. در حقیقت، هوش معنوی دسترسی انسان به معنا، ارزش و استفاده از آن‌ها در شیوه اندیشیدن و تصمیم گرفتن را فراهم می‌سازد [۱۸]. نتایج مطالعه Derksen و همکاران در زمینه آموزش هوش هیجانی نشان داد که آموزش مؤلفه‌های هوش هیجانی به‌ویژه خودتنظیمی خلق و خو و همدلی نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش استرس افراد دارد و سازگاری آن‌ها نسبت به محیط را افزایش می‌دهد. با توجه به وجود ارتباط

معنادار بین مؤلفه خلق عمومی و هوش معنوی می‌توان اظهار داشت که افزایش معنویت می‌تواند به نوعی احساس خوش‌بینی و شادمانی را در فرد به وجود آورد [۲۶]. Bastian و همکاران در پژوهشی نشان دادند که هوش هیجانی بالاتر با راهبرد مسأله‌مدار کارآمدتر، رضایت از زندگی بالاتر و اضطراب کمتر در ارتباط می‌باشد [۲۷]. نتایج مطالعات آن‌ها حاکی از وجود خلاقیت، اعتماد و درستکاری، موفقیت شخصی و تعهد به‌عنوان مزایای معنویت در محیط کار بود [۲۷]. برخورداری از یک گرایش معنوی نسبت به زندگی از رفتارهای ناسازگار و نامطلوب مانند رفتارهای مخرب شخصی و اجتماعی جلوگیری می‌کند؛ زیرا گرایش به مفاهیم بنیادین زندگی موجب یکپارچگی شخصیت و هدفمندی در زندگی می‌شود. در حقیقت، هوش معنوی منجر به انعطاف در رفتار و هیجانات فرد می‌گردد [۷].

از آنجایی که هوش معنوی و هیجانی تحت تأثیر آموزش قابل ارتقا و تغییر می‌باشند، توجه به آموزش مهارت‌هایی که تأثیر مثبتی بر این ویژگی‌ها دارند می‌تواند در سطوح دبیرستان و دانشگاه در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مورد توجه قرار بگیرد. آموزش دانشجویان مجرد و متأهل از جمله موارد قابل بحث در ارتقای سطح هوش هیجانی و هوش معنوی است. با توجه به آمار رو به افزایش طلاق و آسیب‌های ناشی از آن، این موضوع در اولویت‌های برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه قابل بررسی می‌باشد [۱۸]. از سوی دیگر، با توجه به ماهیت رشته پرستاری و تعاملی که پرستاران در آینده با بیماران خواهند داشت، به نظر می‌رسد که افزایش هوش معنوی و هیجانی آن‌ها به تعامل بهتر آن‌ها با بیماران کمک شایانی می‌کند و بیماران از افزایش هوش معنوی پرستاران در زمینه نحوه رسیدگی مناسب بهره خواهند برد؛ بنابراین، برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی مناسب در زمینه تقویت هوش معنوی این دانشجویان در دوران تحصیل ضروری به نظر می‌رسد. در پایان، در ارتباط با محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به عدم بررسی مؤلفه‌های هوش معنوی و در نظر نگرفتن

تمامی دانشجویان رشته‌های مختلف در پژوهش اشاره کرد.

قدردانی

مقاله حاضر حاصل یک طرح تحقیقاتی دانشجویی مصوب در

تشکر و قدردانی می‌گردد.

دانشکده علوم پزشکی آبادان با کد طرح ۹۶ st-۰۱۴۲ و کد اخلاق IR.ABADANUMS.REC.1396.227 می‌باشد. بدین وسیله از تمامی دانشجویان رشته پرستاری تحت مطالعه که با قبول زحمت و با وجود سؤالات زیاد پرسشنامه در این مطالعه شرکت نمودند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

References

- Amram J. Intelligence beyond IQ: the contribution of emotional and spiritual intelligences to effective business leadership. *Instit Transper Psychol* 2005; 2:35-9.
- Hoseynechari M, Zakeri HR. The effect of studying university majors, religious and art sciences on spiritual intelligence: a trial for validation and measuring reliability of spiritual intelligence scale. *Educ Manag* 2010; 1(1):74-93 (Persian).
- Tavan H, Tavan S, Ahmadi Z, Zandnia F. The relationship between intellectual intelligence and emotional intelligence and some demographic variables among students of the faculty of nursing and midwifery, Ilam University of Medical Sciences in 2014. *Hakim Jorjani J* 2015; 3(1):127-34 (Persian).
- Palmer B, Walls M, Burgess M, Stough C. Emotional intelligence and effective leadership. *Leadership Organ Dev J* 2001; 22(1):5-10.
- Piedmont RL. Does spirituality represent the sixth factor of personality? Spiritual transcendence and the 5 factor model. *J Personal* 1999; 67(6):985-1013.
- Erfan A, Haghani F, Omid A, Baratali M. Midwifery and nursing students' emotional intelligence and its relation to spiritual intelligence. *Iran J Med Educ* 2016; 16(28):232-40 (Persian).
- Shahrabi Farahani L, Farahbakhsh K. Exploring relationship between spiritual intelligence and emotional intelligence among middle school girls in the Tehran 15th school district. *J Manag Plan Educ Syst* 2012; 5(8):44-60 (Persian).
- Kamal SS, Ghani FA. Emotional intelligence and akhlak among Muslim adolescents in one of the Islamic schools in Johor, South Malaysia. *Proc Soc Behav Sci* 2014; 114:687-92.
- Jakupov S, Altayev J, Slanbekova G, Shormanbayeva D, Tolegenova A. Experimental research of emotional intelligence as the factor of success rate of modern person. *Proc Soc Behav Sci* 2014; 114:271-5.
- Hosaenian S, Shoja Kazemi M. Examine the relationship between intellectual intelligence and emotional intelligence among university students. *J Women Family Cultural Defense* 2011; 17:27-7 (Persian).
- Mousavi-Moghadam S, Tavan H, Sayehmiri K, Nadery S. General health status of male and female students in junior schools of Ilam city in 2012. *Sci J Ilam Univ Med Sci* 2012; 22(2):57-65 (Persian).
- Hajian A. Relationship between spiritual and emotional intelligence. *J Res Behav Sci* 2013; 10(6):500-8 (Persian).
- Faramarzi S, Homayi R, Hussein M. The relationship between spiritual and emotional intelligence of students. *Biquart J Stud Islam Psychol* 2009; 3(5):7-23 (Persian).
- Haghani F, Aminian B, Kamali F, Jamshidian S. Critical thinking skills and their relationship with emotional intelligence in medical students of introductory clinical medicine (ICM) Course in Isfahan University of Medical Sciences. *Iran J Med Educ* 2011; 10(5):906-17 (Persian).
- Bar-On R. The Bar-On model of emotional-social intelligence. *Psicothema* 2006; 18:13-25.
- Kafetsios K, Zampetakis LA. Emotional intelligence and job satisfaction: testing the mediatory role of Positive and negative affect at work. *Personal Individ Diff* 2008; 44(3):712-22.
- Namdar H, Sahebiagh M, Ebrahimi H, Rahmani A. Assessing emotional intelligence and its relationship with demographic factors of nursing students. *Iran J Nurs Midwifery Res* 2008; 13(4):145-9 (Persian).

18. Raghibi M, Gharehchahi M. An investigation of the relation between emotional and spiritual intelligence among well-adjusted and discordant couples. *Quart J Woman Soc* 2013; 4(13):123-40 (Persian).
19. Golmeymi M, Hemmati S, Motalebi A. The relationship between emotional intelligence and spiritual intelligence among students of Imam Khomeini Marine Science University of Nowshahr. *J Teach Marine Sci* 2017; 3(7):10-6 (Persian).
20. Mohammadtabar S, Eskandari H, Abbaspour A. Studying the impact of organized behavior of citizens and emotional intelligence on job satisfaction of the employees in Haft Almas Co. *Counsel Culture Psychother* 2011; 2(7):49-66 (Persian).
21. Teimuri M, Babaei M, Rezaei R. Spiritual intelligence relationship with life expectancy and distress tolerance. *Res Assess Manag Technical Paper* 2014; 40(3):365-70 (Persian).
22. Pourfarokh M. Study of the relationship between spiritual in telligence and self esteem with ways of stress coping styles in university students. *International Conference on Social Sciences and Humanities, Istanbul, Turkey* 8-10 September; 2014.
23. Seo I, Yong J, Park J, Kim J. Spiritual and psychosocial effects of the spirituality promotion program on clinical nurses. *J Korean Acad Nurs* 2014; 44(6):726-34.
24. Musavimoghadam SR, Asilvand S, Kamarkhani MM. Examine the role of religious orientation and spiritual intelligence mothers on adolescent mental health case study: secondary school students ILAM. *J UMP Soc Sci Technol Manag* 2015; 3(2):590-3 (Persian).
25. Derksen J, Kramer I, Katzko M. Does a self-report measure for emotional intelligence assess something different than general intelligence? *Personal Individ Differ* 2002; 32(1):37-48.
26. Bastian VA, Burns NR, Nettelbeck T. Emotional intelligence predicts life skills, but not as well as personality and cognitive abilities. *Personal Individ Differ* 2005; 39(6):1135-45.
27. Krishnakumar S, Neck CP. The “what”, “why” and “how” of spirituality in the workplace. *J Manag Psychol* 2002; 17(3):153-64.